

دکتر محمدعلی شامانی

## اگر دوباره متولد نشویم...

انسان

قابلیت تبدیل شکست

به پیروزی را دارد. انسان

آزاد و آگاه است و می‌تواند

در صورت ضرورت، خود را

در جهت بهتر شدن تغییر دهد و

تجربه منفی خود را به موضوعی مثبت و

سازنده مبدل سازد.

داستایوفسکی نویسنده بزرگ روسی معتقد بود که رنج

کشیدن شایستگی خاص خود را می‌خواهد؛ پس اگر زندگی دارای

مفهومی باشد، رنج و مرگ هم باید معنایی داشته باشند. رنج، بخش لاینفک

زندگی بشر است، اگر چه به شکل سرنوشت و مرگ باشد. زندگی بشر بدون رنج

و مرگ کامل نخواهد بود. اگر انسان سرنوشت و رنج‌هایش را بپذیرد، به شیوه‌ای

که عواقب آن را نیز به دوش بکشد، معنای شگفتی به زندگی‌اش می‌دهد. پس یا

باید از موقعیت و شرایط دشوار به عنوان فرصتی برای رسیدن به ارزش‌های اخلاقی،

سود جست و یا از آن روی برگرداند. همین گزینش است که نشان می‌دهد انسان

ارزش رنج‌هایش را دارد یا نه!

اما بسیاری از انسان‌ها، سال‌های متمادی در گذشته زندگی می‌کنند و با واپس‌نگری

اندیشه‌های گذشته، از واقعیت دور می‌شوند و هیچ تصمیمی برای زندگی ندارند، حتی

یک رویای ساده...

تاکنون داستان‌های بسیاری درباره عقاب‌ها شنیده‌اید که

بسیاری از آن‌ها به افسانه می‌ماند. زندگی این شاه‌بال بلند پرواز

پیام‌اعجاب‌برانگیزی دارد. عقاب‌ها حدود هفتاد سال عمر می‌کنند

و البته این عمر نسبتاً طولانی در گرو یک تصمیم بسیار دشوار

است. آن‌ها در چهل سالگی تلخ‌ترین تجربه زندگی‌شان را از

سر می‌گذرانند. چنگال‌هایشان دیگر آن قدرت سابق را ندارد،

بال‌هایشان ضعیف می‌شود و... مرگ عقاب فرا می‌رسد. آن

موجود قوی پنجه دیروز دیگر ناتوان شده است. یا باید بمیرد، یا باید دوباره

متولد شود، تولدی دردناک.

برای تولد دوباره به اشیانه بلند خود در نوک کوه می‌رود و آن قدر نوکش را به سنگ‌ها

می‌کوبد تا کنده شود. چنگال‌های بی‌رمقش را می‌کند. پنج ماه دردناک پیش روی اوست،

تا وقتی دوباره چنگال‌هایش درآید. آن‌گاه پره‌هایش را می‌کند تا پره‌های جدید درآیند؛ پره‌های

جدید یعنی آغازی دوباره. همیشه همین‌طور است، برای تولد دوباره باید تصمیم گرفت. کسی

که دو باره متولد نشود، به ملکوت راهی ندارد. دوباره نگاه کن! باید متولد شویم.